info@payamdaily.ir

پیام آشنا

نخستین روزنامه صبح البرز

شماره ۲۷۲۷
چهارشنبه / ۲۲ اسفند/ ۱۴۰۳
۱۱ / رمضان / ۱۴۴۶
12 / March / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: یاهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۴۴۴۴۴ -۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

گداخت جان که شود کارِ دل تمام و نشد
بسوختیم در این آرزوی خام و نشد
به لابه گفت شبی میرِ مجلس توشوم
شدم به رغبتِ خویشش کمین غلام و نشد

دانش اندوز و ادب ورز که در مجلس او
هر که را نیست ادب لایق صحبت نبود
فیض کاشانی

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۵۵	۰۶:۱۹	۱۲:۱۶	۱۸:۱۱	۱۸:۲۹

برگه

بدون رشد و پیشرفت مستمر، کلماتی مانند پیشرفت، دستاورد و موفقیت معنایی ندارند...

بنجامین فرانکلین

دیدگاه

چرا تهدید ایران آسان نیست؟

یک سال و سه ماه جنگ اسرائیل و درواقع امریکا و اروپا با حماس و این نتیجه‌ای که اکنون می‌بینیم، بسیاری را بر سر عقل و حساب آورده است که جنگ می‌تواند فراتر از محاسبات روی کاغذ باشد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جوان، گفت‌وگوی نخست‌وزیر قطر با یک خبرنگار امریکایی در میانه نامه‌نگاری و تهدیدات ترامپ علیه ایران، بهتر از هر خبر و تحلیلی نشان داد که چرا تهدید ایران آسان نیست. محمد بن عبدالرحمن آل ثانی هشدار داد که هرگونه حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران کل منطقه را درگیر آتش جنگ و آوارگی آب و غذا می‌کند. چرا دیپلمات قطری چنین حدسی زده و چه ذهنیتی داشته است، مگر جنگ بین امریکا و ایران نیست، چرا باید منطقه درگیر آتش شود؟! فرض ساده و پیش‌گفته آن است که امریکا از خاک خودش و از آسمان خودش به ایران حمله نخواهد کرد، بلکه از پایگاه‌های امریکا در همین کشورهای منطقه و از آسمان همان‌ها حمله خواهد کرد. ایران نیز قبلاً هشدار داده کشورهایی که زمین و آسمان خود را در اختیار امریکا قرار دهند، بی‌نصیب از آتش جنگ نخواهند بود. دو دهه پیش شنیدم که ایران به کویت، بحرین، قطر و امارات نامه رسمی داده که اگر امریکا به ایران حمله کند، جنگ ناخواسته و با موشک‌های سرگردان در منطقه گسترش خواهد یافت! اکنون نیز فرض کشورهای منطقه همین است. اما معتقدم کشورهای منطقه فراتر از این فرض ساده و حتی فراتر از هشدار ایران، آتش فراگیر جنگ را پس از حمله احتمالی امریکا بسیار محتمل می‌دانند، زیرا آنچه اکنون با گذشته تفاوت کرده است، قدرت ایران در فراگیر کردن یک جنگ بدون حمله مستقیم و موشک‌باران است و این به پشتوانه توانایی‌های نظامی جدید ایران است.

ایران در این راهبرد به منطقه غرب آسیا به شکل یک کل نگاه می‌کند، تفکنظ از جهت اسلامی‌بودن کشورها یا نزدیک‌بودن فرهنگ‌ها، نه فقط جغرافیای سیاسی (ژئوپلیتیک) بلکه جغرافیا و محیط‌زیست کشورهای منطقه نیز مرز نمی‌شناسد و یکی است. اگر کشوری در این منطقه قرار باشد که آسیب ببیند، باید کل منطقه مانع آن شود وگرنه کل منطقه آسیب می‌بیند. ایران خود در زمان حمله صدام به کویت و شعله‌ورشدن چاه‌های نفت، نه با صدام و نه با امریکایی‌ها هنگام بازپس‌گرفتن کویت، همراهی نکرد، اما در خاموش‌کردن چاه‌ها که تأثیرات زیست‌محیطی ویرانگر برای منطقه داشت فعال شد. مثال‌ها بیشتر است و حالا این درک شکل گرفته که اگر یک کشور مورد حمله قرار بگیرد، گویی به کل منطقه تجاوز شده است و کل منطقه باید پاسخگو باشد. چه از لحاظ تجارت، چه از منظر امنیتی، و چه از نگاه زندگی!

پایگاه‌های امریکا در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس سال‌هاست نقش اطلاعاتی، امنیتی و نظامی خود را بازی کرده‌اند و حتی اگر جنگنده‌ای از این پایگاه‌ها بلند نشود، تقصیر سال‌های دور آنان پابرجاست. شیخ‌نشین‌ها آن زمان که شتزاری بیش نبودند با امریکا بر سر دفاع از کشورشان و تضمین امنیت خودشان قرارداد بستند و خاک خود را برای ساختن پایگاه به بیگانه دادند. مسئله دقیقاً همین جاست. وقتی امریکا را برای تضمین امنیت خود به منطقه آوردید، اگر امریکا به امنیت همسایه شما حمله کرد، شما هم وسط میدان هستید، چون او به شما امنیت داده و حالا می‌خواهد امنیت همسایه شما را بگیرد! در چنین وضعیتی مرزها در زمان جنگ بازتعریف می‌شود و همان مرزهای زمان جنگ نیست. یا همه نفت می‌فروشیم یا هیچ‌کس، یا همه تجارت می‌کنیم یا هیچ‌کس، یا همه تردد هوایی امن داریم یا هیچ‌کس، یا همه در صلح هستیم، یا هیچ‌کس و بالاخره یا همه زندگی می‌کنیم یا هیچ‌کس! این مفهومی است که امیر قطری به‌خوبی آن را جدای از هشدار یا سکوت ایران درک کرده است، وقتی می‌گوید: «اگر چنین اتفاقی (حمله به تأسیسات اتمی ایران) بیفتد، آغاز جنگی خواهد بود که در سراسر منطقه گسترش خواهد یافت. آیا می‌توان انتظار داشت کشوری مورد حمله قرار بگیرد و ساکت بماند؟ قطعاً واکنشی وجود خواهد داشت و این واکنش‌ها در منطقه خواهد بود. نه تنها امنیت منطقه بلکه امنیت امریکا را نیز تحت‌تأثیر قرار خواهد داد. منافع امریکا در پایگاه‌های نظامی، تأسیسات انرژی و حتی امکانات آموزشی در منطقه با خطر مواجه خواهد شد. همچنین کشورهای منطقه به خاطر آلوده‌شدن دریا به مواد هسته‌ای دیگر نه آب دارند و نه ماهی! چون ما رودخانه یا منابع آب نداریم و آب دریا را شیرین می‌کنیم و این فقط برای سه روز ما کافی است! پس قطر به‌هیچ‌وجه از هیچ‌گونه اقدام نظامی در منطقه حمایت نخواهد کرد. ما تا زمانی که راه‌حلی دیپلماتیک بین ایالات‌متحده و ایران محقق نشود، تسلیم نخواهیم شد.»

یک سال و سه ماه جنگ اسرائیل و درواقع امریکا و اروپا با حماس و این نتیجه‌ای که اکنون می‌بینیم، بسیاری را بر سر عقل و حساب آورده است که جنگ می‌تواند فراتر از محاسبات روی کاغذ باشد. اینکه مقام قطری به امریکا هشدار می‌دهد آن پایگاه‌هایی که در کشور ما و باقی شیخ‌نشین‌ها دارید، دیگر امن نخواهد بود، نتیجه این واقع‌بینی است. بهتر این بود که این حدیث در گفته دیگران بیاید که آمد!

غلامرضا صادقیان

گزارش روز

پروژه منطقه‌ای ایران چیست؟

پروژه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران چیست و چه اهدافی را دنبال می کند؟

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، مدت‌هاست که در محافل سیاسی و رسانه‌های منطقه عربی اسلامی از چیزی به نام "پروژه منطقه ای جمهوری اسلامی ایران" و اینکه این پروژه چیست و چه اهدافی را دنبال می کند، بحث می شود. عمده عناصر تشکیل دهنده این پروژه، به زعم آنها، دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه از طریق ایجاد نیروهای نیابتی وابسته و دست نشانده به هدف گسترش نفوذ یا گسترش مذهب تشیع در جوامع سُنی مذهب و سراتجام، دست یافتن به کارت‌های برنده برای چانه زنی با قدرت‌های غربی بوده است.

برخی از تحلیلگران نیز گفته و نوشته اند که ایران در پی نابودی اسرائیل و آزادی فلسطین است و برخی دیگر هدف از این پروژه را ایجاد یک قوس امنیت استراتژیک از سواحل مدیترانه تا دریای سرخ و خلیج فارس ذکر کرده اند تا گفته نماند که پاره ای از موضع گیری‌ها و اظهار نظرها از سوی افراد غیر مسئول در داخل نیز این تصورات را تقویت کرده است. در مدت اخیر، پس از تحولات ۷ اکتبر در نوار غزه و رویدادهای لبنان بویژه پس از انفجار پیجرها و شهادت فرماندهان مقاومت و سرانجام سقوط دولت بشار اسد در سوریه، بحث‌ها بدین سو رفته که آیا "پروژه منطقه ای ایران" به شکست آنجامیده یا تضعیف شده و آیا امکان احیای این پروژه و جود دارد یا خیر. واقعیت این است که چنین پروژه ای، با تعریفی که دیگران از آن دارند، اصولا وجود نداشته و ندارد.

تدوین یک پروژه راهکار و مراحلی دارد، از جمله آنکه عده ای از کارشناسان و متخصصان امرمی نشینند و پروژه را طراحی می کنند. در این طراحی طی مراحل مختلف اجرا و هزینه و سازوکارهای لازم و سهم و نقش هر یک از نهادها بررسی می شود و پس از چکش کاری به تصویب مراجع قانونی و محافل تصمیمگیری می رسد و برای اجرا به نهادهای مسئول ارجاع می شود. این چیزی است که در جمهوری اسلامی صورت نگرفته و اصولا چنین پروژه ای تدوین و تصویب نشده است. اما آنچه رخ داده اقدامات مقطعی بر اساس تعهد دینی و اخلاقی برای کمک به مظلومانی بوده که این کمک را درخواست کرده اند. در زیر به برخی از این موارد به اختصار اشاره می کنیم:

۱-سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱ شمسی) اسرائیل به لبنان حمله کرد و پس از ویرانی و کشتار بی حساب، بشیر جمیل فرمانده شبه نظامیان فالانژیست را به کرسی ریاست جمهوری رساند. البته در آن زمان، شاگردان دکتر مصطفی چمران مقاومت مسلحانه را به فرماندهی شهید محمد سعد آغاز کردند. آنها امکانات بسیار کمی در اختیار داشتند. لذا هیئتی از شیعیان لبنان که شهید سید عباس موسوی و شهید سید حسن نصرالله نیز در آن حضور داشتند به تهران آمدند و برای مبارزه با اشغالگران کمک خواستند. جمهوری اسلامی بنا بر تعهد دینی و اخلاقی در همه زمینه‌ها به آنان کمک کرد و نتیجه این شد که مقاومت پس از ۱۸ سال مبارزه و دادن شهیدان بسیار توانست در ماه مه سال ۲۰۰۰ پیروز شود و ارتش اشغالگر را از لبنان بیرون براند و نوعی بازدارندگی ایجاد کند.

۲-در سال ۲۰۱۱ ملت یمن تحت تاثیر انقلاب‌های مردمی در تونس و مصر به پا خاست و رژیم فاسد علی عبدالله صالح را سرنگون کرد. دولت عربستان سعودی که یمن را حیاط خلوت خود می دانست و از تاثیر تحولات یمن بر داخل عربستان بیمناک بود جنگ ویرانگری را علیه کشور فقیرو مظلوم یمن آغاز کرد. یمنی‌ها هیچ اقدامی علیه عربستان سعودی نکرده بودند که مستوجب چنین تنبیهی باشند. آنها فقط می خواستند داخل خانه خود را پاکسازی کنند باز عده ای از یمنی‌ها به تهران آمدند و برای دفاع از خود تقاضای کمک کردند. تهران هم به همان انگیزه‌های یاد شده به آنها کمک کرد تا بتوانند وجود و استقلال و انقلاب خود را حفظ کنند.

۳-در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ داعش به سوریه و عراق حمله کرد و دست به کشتارهای فجیعی زد. دولت بشار اسد از ایران کمک خواست. همچنین در عراق، داعش به نزدیکی بغداد و اربیل رسید و آقای جواد المالکی، نخست وزیر وقت عراق، و تیز آقای مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان، در حالتی از استیصال از تهران کمک خواستند. آیة الله العظمی سیستانی تیز حکم جهاد و بسیج برای مبارزه با داعش را داد. در چنین شرایطی بود که شهید حاج قاسم سلیمانی وارد عمل شد و با طراحی و سازماندهی مقاومت در هر دو کشور سوریه و عراق داعش را شکست داد و توطئه دشمنان را نقش بر آب کرد .

غرض اینکه هیچ یک از این اقدامات در چارچوب پروژه ای موسوم به " پروژه منطقه ای جمهوری اسلامی" صورت نگرفته و چنین پروژه ای اصلا وجود نداشته و آنان که در گذشته و اینک از شکست این پروژه سخن می گویند هدفشان متهم کردن ایران به دخالت در کشورهای دیگر به هدف توسعه طلبی و ایجاد نفوذ و دست یافتن به کارت‌های برنده بوده وهست. در حالیکه نه حزب الله لبنان، نه انصارالله یمن و نه حشد الشعبی عراق کارت نیستند که بشود روی آنها معامله کرد. مهمتر اینکه وقتی تهران اصل مذاکره و معامله را رد می کند ادعای جمع آوری کارت ، به اصطلاح منطق، منتفی به انتفاء موضوع است! آنها نیروهای نیابتی نیز نیستند و در همه مراحل خود تصمیم می گیرند نه آنکه تحت امر تهران باشند.

البته ناگفته نماند که با طرح شهید سید حسن نصرالله مبنی بر وحدت عرصه‌ها و تشکیل محور مقاومت نوعی قدرت بازدارندگی برای همه اعضا وعرصه‌ها پدید آمد ولی حتی در این مورد نیز جمهوری اسلامی عناصر بازدارندگی مخصوص به خود رادانست که آن را در عملیات وعده صادق به منصه ظهور رسانید. البته این مقوله نیاز به بحث‌ها و مقالات علمی متعدد و طولانی دارد که در این یادداشت کوتاه نمی گنجد.

هدف این یادداشت صرفا اشاره به جنبه‌های کوچکی از این مقوله است و اثبات اینکه ایران به دیوار شیشه ای هیچکس سنگی نپرانده بلکه کوشیده است به آنان که خانه هایشان در معرض سنگ پرانی متجاوزانه و ویرانی از سوی دیگران قرار گرفته کمک کند تا خانه و موجودیت خود را حفظ کنند.

محمد علی مهتدی

کاریکاتور

نفس‌های شهر در میان دود و آهن

"در میان آسمان خراش‌های دودگرفته و خیابان‌های خاکستری، هیولای صنعت قد علم کرده است. موجودی ساخته‌شده از آهن و دود، با دندان‌های تیز و چشمانی خون آلود، بر شهر سایه انداخته است.
نفس‌های سنگین و آلوده‌اش، آسمان را تیره و تار کرده و دودکش‌های بلندش، سمفونی مرگ را می‌نوازند.
این هیولا، نماد تمدنی است که خود را در چنگال حرص و طمع گرفتار کرده و برای بقای خود، طبیعت و شهر را به نابودی می کشاند.
آیا این، آینده‌ای است که برای خود رقم زده‌ایم؟
آیا این، میراثی است که برای نسل‌های بعد به جا خواهیم گذاشت؟"

هنرمند: هیبت احمدی

خطر!
از ذخیره‌ی آب ایران
فقط، چند، قطره، باقیست.
من حامی کمپین «یک قطره آب» هستم.

برش

مواجهه عقلانی با یک نمایش سیاسی

نکته اساسی در مواجهه با تهدیدات خارجی، توجه به بنیان‌های داخلی قدرت است. رهبر انقلاب با درک این مسئله، همواره تأکید کرده‌اند که جنگ اصلی، جنگ اقتصادی است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از خراسان، در بحبوحه تحولات بین‌المللی و با شدت گرفتن مواضع تند و متناقض دونالد ترامپ علیه ایران، رهبر حکیم انقلاب اسلامی بار دیگر با تبیین سیاستی مدبرانه، راهبردی عقلانی و واقع‌بینانه را در مواجهه با این هجمه‌های سیاسی و اقتصادی ترسیم کردند. در شرایطی که برخی کنشگران سیاسی در دام هیجانات افتاده و به دام جنگ لفظی و تصمیم‌گیری‌های احساسی می‌غلتند، رویکرد رهبر انقلاب، نمونه‌ای از سیاست‌ورزی هوشمندانه است که بر اساس شناخت دقیق از قواعد بازی بین‌المللی و تحلیل واقع‌بینانه قدرت‌ها اتخاذ شده است.

۱. پرهیز از دام تنش‌افزایی و سیاست‌ورزی بر مبنای واقعیت

در مواجهه با رفتارهای قلدرمآبانه آمریکا، رهبر انقلاب نه مسیر انفعال و تسلیم را انتخاب کرده‌اند و نه سیاست تهاجمی که زمینه‌ساز تشدید بحران شود بلکه سیاستی مبتنی بر بازدارندگی هوشمند، صیانت از منافع ملی و اجتناب از افتادن در دام تحریکات دشمن را در پیش گرفته‌اند. این در حالی است که برخی از تحلیلگران غربگرا تصور می‌کنند که چاره‌ای جز پذیرش خواسته‌های آمریکا نیست و در مقابل، گروهی دیگر با اتخاذ مواضع احساسی، بدون در نظر گرفتن هزینه‌های یک مواجهه مستقیم، مسیر پرمخاطره‌ای را تجویز می‌کنند. تجربه تاریخی ایران در مواجهه با قدرت‌های بزرگ نشان داده است که هرگاه سیاست‌های جمهوری اسلامی مبتنی بر عقلانیت و تدبیر بوده، کشور از مخاطرات جنگ مصون مانده است. در این میان، رهبر انقلاب با شناخت دقیق از ذات سیاست آمریکا و روش‌های دیپلماتیک فریبکارانه این کشور، تلاش دارند که ایران را از لغزش به دام توطئه‌های طراحی‌شده دور نگه دارند.

۲. ماهیت فریبکارانه سیاست‌های آمریکا

رهبر انقلاب در سخنان اخیر خود، ماهیت سیاست خارجی آمریکا را به‌درستی مورد واکاوی قرار دادند. قلدرمآبی و فریبکاری، دو مشخصه جدایی‌ناپذیر از سیاست‌ورزی ترامپ و تیم اوست. آن چه این روزها در صحنه بین‌المللی مشاهده می‌کنیم، چیزی جز یکجانبه‌گرایی گسترده واشنگتن نیست که از تحمیل تعرفه‌های تجاری بر همپیمانان خود گرفته تا اقداماتی مانند تلاش برای ضمیمه کردن سرزمین‌های دیگر کشورها به خاک آمریکا (نظیر گرینلند و کانال پانما) را شامل می‌شود. در مورد ایران نیز، ترامپ و تیم سیاست خارجی‌اش بارها نشان داده‌اند که با بازیگران قابل اعتمادی نیستند. در یک روز، فکتشیت‌هایی منتشر می‌کنند که در آن ایران را تهدید به نابودی می‌کنند و در همان روز، در یک نشست خبری، از صلح و مذاکره دم می‌زنند. این سیاست دوگانه و متناقض چیزی نیست جز یک استراتژی روانی برای سردرگم کردن افکار عمومی و مسئولان تصمیم‌گیر در ایران. اما آنچه رهبر ایران را متمایز می‌کند، هوشمندی در نپذیرفتن در این بازی است.

۳. ضرورت اجماع درونی و همگرایی میدان و دیپلماسی

یکی از نکات کلیدی در مدیریت این شرایط پیچیده، همگرایی و انسجام درونی میان بخش‌های مختلف حاکمیت است. این موضوع مستلزم آن است که تمامی نهادها، اعم از دستگاه دیپلماسی و نیروهای نظامی و امنیتی، یک رهبر واحد را دنبال کنند. متأسفانه، گاهی اوقات شاهد هستیم که برخی از عناصر داخلی، بدون در نظر گرفتن تجارب تاریخی و واقعیات میدانی، پیشنهادهایی را مطرح می‌کنند که نه‌تنها در راستای منافع ملی نیست، بلکه کشور را در یک موقعیت آسیب‌پذیر قرار می‌دهد. مذاکره با دولتی که پیشتر از توافقات بین‌المللی خارج شده، تحریم‌های گسترده‌ای را علیه ایران اعمال کرده و سیاست تضعیف هرچه بیشتر نظام را به‌عنوان یک راهبرد دنبال می‌کند، هیچ دستاوردی جز زیان‌های مکرر نخواهد داشت. از این‌رو، تأکید رهبر انقلاب بر هوشیاری و بی‌اعتمادی به آمریکا، ناشی از یک محاسبه عقلانی است، نه صرفاً یک نگاه ایدئولوژیک.

۴. اقتصاد؛ اصلی‌ترین میدان نبرد با آمریکا

در نهایت، نکته اساسی در مواجهه با تهدیدات خارجی، توجه به بنیان‌های داخلی قدرت است. رهبر انقلاب با درک این مسئله، همواره تأکید کرده‌اند که جنگ اصلی، جنگ اقتصادی است. سیاست‌های تحریمی آمریکا در سال‌های اخیر، عمدتاً بر معیشت مردم متمرکز بوده و هدف اصلی آن، ایجاد نارضایتی عمومی و بی‌ثبات‌سازی کشور است. اگرچه مقاومت در برابر این فشارها ضروری است، اما بدون یک سیاست اقتصادی منسجم و کارآمد، امکان مقابله پایدار با این تهدیدات وجود ندارد. بنابراین، دولت و نهادهای اقتصادی باید به‌جای نسخه‌های ناکارآمد به سمت راهکارهای واقعی برای تقویت پول ملی، افزایش تولید داخلی و کاهش وابستگی به دلار، حرکت کنند. همان‌گونه که رهبر انقلاب تأکید کردند، «طرح کلی دشمن، این است که جمهوری اسلامی از عهده اداره معیشت مردم برنیاید.» لذا، نسخه‌هایی که کاهش نرخ تورم را در گرو افزایش نرخ ارز می‌بینند، عملاً در جهت همان سناریوی طراحی‌شده حرکت می‌کنند. در شرایطی که دشمن با ابزارهای مختلف، سعی در ضربه زدن به کشور دارد، رهبر انقلاب مسیر عقلانیت، تدبیر و مقاومت فعال را ترسیم کرده‌اند. این مسیر نه به معنای انفعال و نه به معنای ماجراجویی است، بلکه راهی است مبتنی بر شناخت واقعیت‌های بین‌المللی، تقویت همگرایی داخلی و تمرکز بر اقتصاد به‌عنوان اصلی‌ترین عرصه مقابله با دشمن.

حامد رحیم‌پور